

چیزی به نام داستان بزرگ وجود ندارد نمایش آثار **سیامک فیلی زاده** 

## "چیزی به نام داستان بزرگ وجود ندارد"

سیامک فیلی زاده آبان 1400

"چیــزی بــه نــام داســتان بــزرگ وجــود نــدارد" تــلاش چـنــد ســـال اخیــر مــن ســـیامک فیـلــیزاده بــرای خــرد و تفکیــک کــردن کلان روایــت تاریــخ اســت. تلاشــی کــه از پــروژه زیرزمـین شروع شد و امروز به اینجا رسید.

این جزئی نگریها, روایتهای تاریخ (بخوانید گذشته) را به امروز و حال بدل و مرز میان خیال و واقعیت را از بین میبرند همه این تصویرها، کلاژها، آدمها و مکانها از آشفتگیهایم سرچشمه گرفتهاند.

هدف م از این نمایشگاه به اشتراک گذاشتن این برآشفتهگی و احساس از هم گسیختگیام با مشاهدهگران این تصاویر و قصهها است که بپرسم، آیا شما هم به اندازه من برآشفتهاند؟

چندلایهگی و همزمانی داستانها و وقایع در این مونتاژها، خیال و افسانه نیستند بلکه به نظر شرح حال همین امروز ما هستند

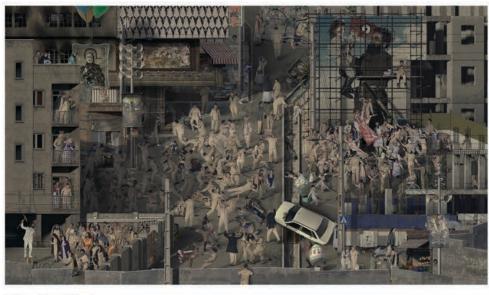
داستانهای خرد و کوچک این پروژه همانقدر از من دورند که به من نزدیک. روایت تورات، انجیل و قرآن در کوچه خیابانهای شهری به ظاهر خیالی اتفاق میافتید؛ شهری که گویا محلهای دور و اطراف ما است؛ شاید همین شهر خودمان. نفتخوار، فرمانده، منجی دلقک، همه و همه نشان از نسبت خیالی و خیال پردازانه مین با شهر و جامعهای که در آن زندگی میکنم دارند. گویی برای مین به غیر از نمایش حضور چندلایه و چندپارهی این جامعه رشته رشته شده راه دیگری برای زیستن وجود ندارد.

نگفتید که آیا به اندازه من برآشفته ایدیانه؟

همه چیـز در ایـن جزئیـات اسـت: در بافـت دیوارهـای بتونـی، در رنـگ لباسهـا، در چهرههـای برافروختـه، در ترسهـا و ضیافتهـا و هـزاران هـزار خردنـگاری کـه دانـه دانـه انتخـاب شـدهاند و یـک بـر یـک عکاسـی شـدهاند و در کلیتـی روایـی در کنـار هم چیده شدهاند

"چیـزی بـه نـام داسـتان بـزرگ وجـود نـدارد"، قصـه اصلـی همیـن جزئیـات از دسـت رفتـه و کـم اهمیـت اسـت کـه از کلانروایتهـا شـروع شـدند و راوی داسـتانکهایی شدندکه نه خیالیاند و نه واقعی، نه اینجاییند و نه آنجایی.

گویی همه شهروندان این شهر همان سازندگان برج بابلاند که قصد کردند به خدا برسند. برج بابل نیست و نابود شداما ایده رسیدن به خدا باقی ماند. شاید همه ساختمانهای بلند نشان از همین به خدا رسیدن باشند قصه بابل را هم که میدانیم، اگر قصد رسیدن به جایگاه خدایی کنید، خداوند زبان هایتان را تغییر میدهد و امکان ارتباط را نابود داستان من روایت دیگری از به هایتان را تغییر میده و دچار نفرین خدا شدن است. برج این بار ساخته شده جایگاه خدا رسیدن و دچار نفرین خدا شدن است. برج این بار ساخته شده است. برجی با هزاران دفتر و مرکز اداری و تجاری برای جناب فرمانده. سر برج در نامتناهی آسمان پنهان است، به خدا رسیده گویا. این بار خداوند نفرینی نکرد، زبان ها را هم تغییر نداد دلیلی هم نداشت. ساکنان شهر حتی با زبان مشترک هم فاقد درک یکدیگرند. خیال خداوند قصه ما راحت است. چیزی به نام داستان بزرگ وجود ندارد.



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **150x260 cm**Edition: **5 Editions** 

Year: 2021



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **250x150 cm**Edition: **5 Editions** 



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **250x150 cm**Edition: **5 Editions** 



Title: **Untitled**Technique: **Diasec** 

Size: 300(2x150)x235 cm

Edition: 5 Editions



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **250x150 cm**Edition: **5 Editions** 



Title: Raising of Lazarus

Technique: Diasec Size: 150x260 cm Edition: 5 Editions



Title: Maybe Last Supper

Technigue: Diasec Size: 150x250 cm Edition: 5 Editions



Title: Immersion Technique: Diasec Size: 250x150 cm Edition: 5 Editions

Year: 2021



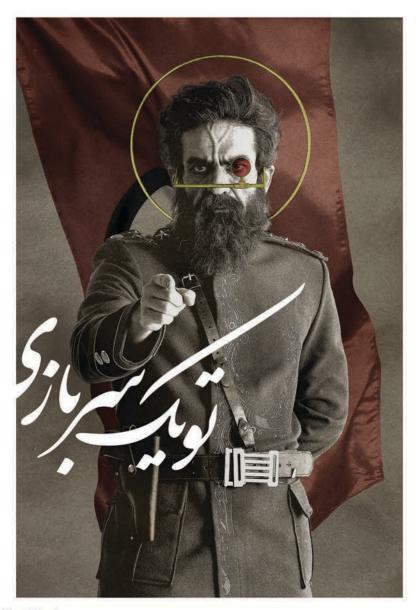
Title: The Golden Calf Technique: Diasec Size: 150x260 cm Edition: 5 Editions



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **150x250 cm**Edition: **5 Editions** 



Title: **Untitled**Technique: **Diasec**Size: **150x250 cm**Edition: **5 Editions** 



Title: Untitled

Technigue: Chromaluxe

Size: 180x120 cm Edition: 20 Editions

Year: 2021



Title: Untitled

Technique: Chromaluxe

Size: 120x180 cm Edition: 20 Editions



Title: Untitled

Technique: Print on Pvc

Size: **240x90 cm** Edition: **20 Editions** 

## "There is No Such Thing as a Big Story"

Siamak Filizadeh November 2021 Translated by Parisa Hakim Javadi

"There exists nothing as an all-encompassing story" is what I, Siamak Filizadeh, have strived towards in the past few years, in order to shatter and sort the metanarrative of history. It all began from the series Underground and has reached

this point today. These scrutinizing efforts transform the narratives of history (say, the past) into the present and abolish the boundaries between reality and imagination. All these images, collages, people and places arise from my own disquiet and angst.

By this exhibition of my works, I intend to share my sense of overwhelm and rupture with all who view these images and stories. The question I pose is this: are you as overwhelmed as I am?

The concurrence and multilayeredness of stories and events in these montages are not mythical or illusory. Rather, they seem to give accounts of our present time.

The diminutive stories of this project are as much remote from me as they are near. The narrative of the Torah, the Bible, and the Quran takes place on the streets of an apparently imaginary city, which seems to be part of our surrounding neighborhood, maybe even our own city. The oil-eater, the commander, the savior, the joker, all are indicative of my imaginary, fanciful relation to the city and society in which I live, as if I have no way to live other than displaying the multilayered, disjointed presence of this fragmented society.

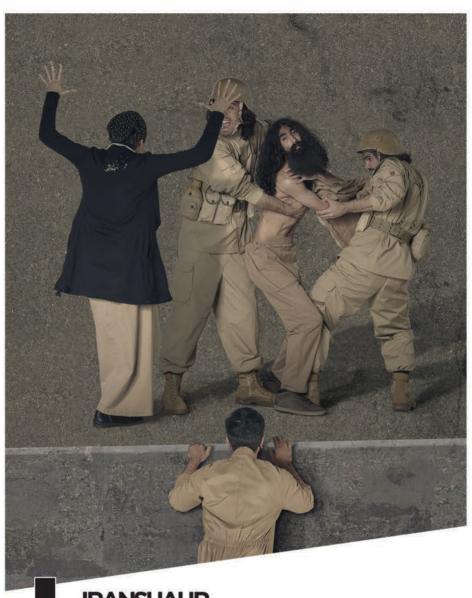
You didn't say whether you are as overwhelmed as I or not.

Everything lies in these details, in the texture of concrete walls, in the color of attires, in the agitated faces, in dreads and parties and a thousand other details, picked one by one, photographed one by one and arranged together in a narrative whole.

"There exists nothing as an all-encompassing story" tells the story of these insignificant lost details which arose from metanarratives and became narrators of micro-stories neither imaginary nor realistic, neither belonging to reality nor finding a place in imagination. As if citizens of this

city are the builders of the Tower of Babel, intending to reach God. The Tower of Babel was ruined but the idea of reaching God remained. Perhaps all high-rise buildings suggest this notion of reaching God. The story of Babel is known to all: If you intend to reach God's status, he will mix and alter your language, destroying the possibility of communication. My story gives another account of reaching God's status and consequently suffering his condemnation. This time, the Tower is built to the end, containing manifold offices and shopping malls for his honor, the Commander. Its tip is far from view, concealed in boundless sky, as if it has reached God. This time, God has not condemn man and has not alter and mix his language. There has been no reason to do so. The city dwellers have lost the ability of understanding each other, even when sharing a common language. Our story's God need not worry.

There exists nothing as an all-encompassing story.



IRANSHAHR ART GALLERY

There is No Such Thing as a Big Story
ArtWorks
Siamak Filizadeh